

بررسی انواع خشونت و مؤلفه‌های نظام مردسالاری در رمان طوبی و معنای شب

خدیدجه بهرامی رهنما*

چکیده

خشونت علیه زنان، یکی از ابزارهای سلطه‌جویی مردان بر زنان است که به وسیله آن، هژمونی مردسالاری، در دو سطح خرد و کلان توانسته است، زنان را تحت کنترل و انقیاد خود درآورد. بنابر این، تضاد و تقابل معناداری میان زنان و مردان وجود دارد که برخی از نویسندگان معاصر را بر آن داشته است تا به تبیین قشربندی‌های اجتماعی، تقابل‌های دوگانه زن/مرد و تعدی مردان بر زنان در آثار خویش پردازند. از این رو درصدد برآمدیم تا انواع خشونت و استیلائی مردان بر زنان را در رمان طوبی و معنای شب، اثر شهرنوش پارس‌پور مورد بررسی قرار دهیم. بنابر این، جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، مسأله انواع خشونت و مؤلفه‌های نظام مردسالاری را در این رمان، مورد تحلیل قرار داده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که نویسنده رمان، درصدد تبیین نگاه سنتی جامعه در مورد زنان بوده و همواره آنان را، در زیر سیطره غالب نظام مردسالاری به تصویر درآورده است. مردان، با اعمال خشونت‌هایی چون جسمانی، روانی، کلامی، اقتصادی و جنسی درصدد هستند تا زنان را به ورطه انفعال، بی‌هویتی و وابستگی بکشانند. بنابر این، در این رمان می‌توان به ایدئولوژی قدرت، فرادستی مردان و فرودستی زنان دست یافت.

کلید واژه‌ها: شهرنوش پارس‌پور، طوبی و معنای شب، انواع خشونت، نظام مردسالاری، نگرش جنسیتی.

* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

خشونت علیه زنان، یکی از خشونت‌های شایع در هر جامعه‌ای است که در آن امنیت زن در خانواده، مورد تهدید جدی از سوی مردان قرار گرفته است. خشونت علیه زنان، برخاسته از هژمونی مردسالاری است که در آن، زن به عنوان «جنس دوم» و «دیگری» به شمار رفته است که سبب باز تولید نابرابری قدرت در خانواده گشته است. در جوامع مردسالار، مرد در مرکز و زن در پیرامون خانواده قرار دارد؛ از این رو، مردان، مظهر تعقل و خلاقیت و زنان، مظهر جهل و احساس به شمار رفته‌اند که این دو عامل، منجر به شکل‌گیری دو نیروی متضاد در خانواده می‌گردد که برآیند آن، ایجاد کشمکش و خشونت علیه زنان است. سیطره مردسالاری در خانواده سبب گشته است که زن، وجود مستقلی از خود نداشته باشد و همواره تابع مرد به تصویر درآید.

ایدئولوژی مردسالاری آن‌چنان با تار و پود زنان عجین گشته است که آن را به عنوان یک اصل مسلم در خانواده پذیرفته و به آن تن در داده‌اند. این هژمونی، سبب تولید سلطه در جوامع مردسالار گردیده و این قدرت را برای مردان به وجود آورده است که به اعمال خشونت علیه زنان بپردازند و آن‌ها را سرکوب سازند. زنان که قربانیان سلطه مردان هستند، انواع خشونت‌ها را تجربه کرده‌اند. در جوامع مردسالار اغلب زنان، منفعل هستند که گاه توان طغیان علیه خشونت مردان را ندارند و در پیله نقش‌هایی که مردان در زندگی بر آن‌ها تحمیل کرده، فرو رفته‌اند و به هیچ وجه درصدد تغییر هویت فردی و اجتماعی خود نیستند.

از میان رمان‌نویسان معاصر، شهرنوش پارس‌پور توجه ویژه‌ای نسبت به زنان و مشکلات آنان داشته است. از میان آثار او، رمان «طوبی و معنای شب» مورد بررسی قرار گرفته است. پارس‌پور در این رمان با زبانی زنانه درصدد تبیین نگاه سنتی مردسالار بر جامعه رمان خویش است. او با استفاده از زبان زنانه، اقلام، واژگان و رمزگان خاص خود، در پی اعتراض به فرهنگ مردمحوری و خواهان رهایی از آن است. بنابراین، زبان زنانه می‌تواند، یکی از راه‌های غلبه بر فرهنگ مردسالاری باشد. در این رمان، خشونت و سلطه‌جویی علیه زنان به شکل‌های مختلف به تصویر در آمده است. در این مقاله درصدد برآمدیم تا انواع خشونت علیه زنان و نگرش‌های مردسالاری نهادینه شده در این رمان را مورد بررسی قرار دهیم.

بیان مسأله

شهرنوش پارسی پور، یکی از زنان رمان‌نویس معاصر است که در آثار خویش، به مسألهٔ زنان و دغدغه‌های آنان توجه ویژه‌ای داشته است. او در رمان طوبی و معنای شب، با استفاده از گفتمان و ایدئولوژی‌های برخاسته از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به تبیین جایگاه زنان و اشکال مختلف خشونت علیه آنان پرداخته است. او در این رمان درصدد انعکاس اعتراض و صدای زنانه در جامعهٔ آن روزگار بوده است. در جستار حاضر سعی شده است که رمان طوبی و معنای شب از منظر نقد فمینیستی و مولفه‌های پدرسالاری مورد بررسی قرار گیرد و نیز، درصدد هستیم تا با واکاوی متن، به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. در این رمان، مردان از چه ابزارهایی برای اعمال خشونت علیه زنان استفاده کرده‌اند؟
۲. زنان تا چه میزان از نگرش‌های مردسالارانه در زندگی تأثیر پذیرفته‌اند؟

روش تحقیق

جستار حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، انواع خشونت و مولفه‌های مردسالاری را، در رمان طوبی و معنای شب مورد بررسی قرار داده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت انجام چنین تحقیقی سبب می‌گردد تا مخاطب بتواند به خوانش جدیدی از این متن که در تحقیقات پیشین مغفول مانده است، دست یابد، و نیز، با بررسی انواع خشونت و مولفه‌های مردسالاری که سبب به حاشیه رانده شدن زنان در این رمان گشته است، می‌توان به تبیین جایگاه زنان، پی‌گیری جریان زنانه‌نویسی و سبک شخصی نویسندهٔ رمان پرداخت.

پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ خشونت علیه زنان، مقاله‌های بسیاری به رشتهٔ تحریر درآمده است که از میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- اسداللهی، مایده و همکاران، (۱۳۹۴)، «بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های خشونت علیه زنان در داستان‌های دختر غبار و کولی کنار آتش». نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که مهم‌ترین دلیل استمرار خشونت علیه زنان در دو جامعه مورد نظر، سکوت و سازش، پذیرش خشونت و اعتراض نکردن زنان به آن است.
 - ۲- مقصودی، سوده و همکاران، (۱۳۹۴)، «بررسی انواع خشونت‌های اعمال شده علیه زنان در رمان پری چهر». نتایج تحقیق بیانگر آن است که خشونت، نقشی اساسی در این رمان دارد و در قالب‌های آشکار و نهان، زنان را مغلوب خود ساخته است.
 - ۳- رحمانی، کیومرث و سوبه‌اش، کمار، (۱۳۹۶)، «خشونت علیه زنان در رمان جای خالی سلوچ و رمان گودان». نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که هر دو نویسنده، رویکرد مشابهی به مقاومت در برابر ظلم داشته‌اند.
 - ۴- رهیاب بلخی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۸)، «خشونت علیه زنان در رمان‌های خالد حسینی». نتایج تحقیق بیانگر آن است که خالد حسینی در رمان‌های خود، انواع و اقسام خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی که منجر به خشونت‌های فیزیکی و رفتاری نیز می‌شود، به تصویر کشیده و تفاوت‌ها و شباهت‌ها را در آثار خویش به نمایش گذاشته است.
 - ۵- عاشقی قلعه، لیلا و همکاران، (۱۳۹۸)، «خشونت علیه زنان در آثار نویسنده زن معاصر، فریبا وفی». نتایج تحقیق حاکی از آن است که زنان داستان‌های او، شخصیتی راکد و ساکن دارند و اغلب، قربانی مردسالاری و خواسته‌های جامعه مردانه هستند تا آنجا که برخی از این زنان، منزوی شده و سکوت اختیار کرده‌اند و دچار بحران‌های روحی، روانی و آسیب‌های اجتماعی شده‌اند.
- از این رو، جستاری منطبق با تحقیق حاضر یافت نشده است.

خلاصه داستان

طوبی، دختر حاج ادیب فاضل است که تأثیر بسزایی در رشد و پرورش فرزندش داشته است. پدر طوبی، ضمن آموزش قرآن و ترغیب او به حفظ سوره‌ها، او را با دو کشور روسیه و انگلیس

آشنا ساخت که در آن دوران، ایران را تحت اشغال خود درآورده بودند. طوبی، پس از مرگ پدرش، با خواستگار مادرش که حاج محمود نام دارد، ازدواج کرد. این ازدواج، ۴ سال بیشتر نپایید و در طی این دوران، حاج محمود، خشونت‌های بسیاری را علیه او روا داشت تا آنکه طوبی را طلاق داد. طوبی، پس از سپری کردن دوران عده، به ازدواج یکی از شاهزادگان قاجار، به نام فریدون میرزا درآمد و صاحب ۳ فرزند دختر و یک فرزند پسر گردید. ازدواج با فریدون میرزا، سبب آشنایی وی با شاهزاده گیل و لیلا شد که هر دو متأثر از باورهای شبه عرفانی هستند. در این اثنا، کشور آبستن حوادث مختلف گشته بود و فریدون میرزا، به دلیل زلزله جایگاهش به روسیه گریخت. او پس از مدتی به ایران بازگشت و حاکم شهر آذربایجان گردید و در آنجا، با دختری ۱۴ ساله ازدواج کرد. سپس، طوبی از او طلاق گرفت. پس از مدتی، خاله ترکه، ستاره و اسماعیل وارد زندگی طوبی گشتند، اما ستاره بر اثر تجاوز دسته‌جمعی قشون روسیه، توسط دایی‌اش به قتل رسید و طوبی، او را در زیر درخت انار دفن کرد. مونس، فرزند طوبی نیز، پس از مدتی از همسر خود طلاق گرفت و مخفیانه با اسماعیل ازدواج کرد. سپس، طوبی نگهداری و تربیت فرزندان اوس یدالله، به نام‌های مریم، کمال و کریم پذیرفت. اما، بعدها، مریم در مبارزات مسلحانه علیه شاه به قتل رسید. طوبی، مریم را نیز در زیر درخت انار دفن کرد. او، اکنون متولگی خانه اموات گشته بود و پس از ترک خانه توسط مونس، اسماعیل و کریم، مرگ، طوبی را دربرگرفت و به راهنمایی لیلا، رهسپار جهان فرودین گشت.

بحث و بررسی

۱. انواع خشونت علیه زنان در رمان طوبی و معنای شب

خشونت علیه زنان، شایع‌ترین شکل خشونت است که توسط مردان در خانواده، علیه زنان صورت گرفته و سلامت و امنیت هر خانواده‌ای را مورد تهدید قرار داده است. «خشونت علیه زنان، پدیده‌ای است که زن، به دلیل جنسیت خود، جنس مخالف (مرد)، به او، اعمال زور و حق وی را ضایع می‌کند. چنانچه خشونت در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، خشونت

خانگی تعبیر می‌شود و به هر نوع عمل یا احتمال رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب منجر شود، خشونت علیه زنان گفته می‌شود». (نهادندی، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

در این رمان، خشونت علیه زنان، نمودی برجسته دارد که در زیر به بررسی هریک از آنها پرداخته‌ایم:

۱.۱. خشونت کلامی

خشونت کلامی، دربرگیرنده واژه‌ها، اصطلاح‌ها و لقب‌های ناخوشایند آزار دهنده و خشونت‌آمیز مردان در مواجهه با زنان است. در واقع، «نابرابری‌های اجتماعی سبب می‌شود، بدون توجه به تفاوت‌های فردی، صفتی منفی به عنوان ویژگی‌های خاص یک جنس به کار برده شود، بی‌آنکه به وجود همان صفت، در میان افراد جنس دیگر اشاره گردد». (پاک نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۶۴) اغلب شخصیت‌های مرد این رمان، درجهت تحقیر زنان، از «تابو یا دُشوآزه‌ها» استفاده فراوان کرده‌اند؛ «تابو، اصطلاحی برگرفته از زبان پولینزی (Polynesian) است... از نظر معنایی، تابو دربردارنده دو معنای متضاد است؛ از یک سو، به معنای مقدس است و از سویی دیگر، معنای خطرناک، وحشتناک، ممنوع، نجس و اسرارآمیز دارد... تابو به معنای دست نیافتنی و در اصل به معنای تهدید و ممنوع است». (فروید، ۱۳۸۹: ۵۷)، «با توجه به آنکه کلمه تابو ممکن است، برای فارسی زبانان معرف معنای دقیق آن نباشد، در فارسی برای آن معادل «دُشوآزه» پیشنهاد شده است که دُش به معنای بد است و این کلمه می‌تواند، معرف مفهوم «بد» نهفته در دُشوآزه باشد». (شکیبا، ۱۳۸۱: ۱۶) پس «تابو، در لفظ عام، به کلیه رفتارهای اجتماعی ممنوع اطلاق می‌شود و این ممنوعیت، بر اساس نگرش فرهنگی - اجتماعی نسبت به رفتارهای خاص است». (نجفی عرب و بهمنی مطلق، ۱۳۹۳: ۱۲۶)

در رمان طوبی و معنای شب، استفاده از دُشوآزه‌ها بسامد بالایی دارد. شاهزاده، طوبی را به مثابه «خلا» می‌داند. «باور نمی‌کرد، شاهزاده در تمام این سال‌ها، او را به مثابه خلا فرض کرده باشد. شاهزاده پاسخ داد: چه ما را بیرون پرتاپ کرده باشد، چه نکرده باشد، خلاست، به علاوه گه خورده». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۲۸) شاهزاده، علاوه بر خلا دانستن طوبی، او را «کم عقل»

(همان: ۱۲۰)، «لچک به سر» (همان: ۱۹۴، ۱۲۲ و ۱۲۱) و «دست و پا چلفتی» (همان: ۱۳۲) می‌نامید. میرزا کاظم، زنان را «عجزه» (همان: ۷۴)، شاهزاده گیل، لیلا را «پدرسگ» (همان: ۳۸۷)، اسماعیل، مادر خود را «ابله» (همان: ۲۳۳ و ۲۱۸) و طوبی را «پیرزن هفهفو، عجوزه هفت هزار ساله، دیوانه و مجنون» (همان: ۳۷۶) می‌نامیدند.

مغازه و عشق بازی مردان کوچه و بازار در مواجهه با زنان را نیز می‌توان، یکی دیگر از مصادیق خشونت کلامی به شمار آورد. «چند مرد، برایشان کلاه برداشتند که هر دو با تفرعن روی برگرداندند و مرد صاحب مقامی که سوار بر اسب بود، زمان درازی در کنار کالسکه آن‌ها راند و از گوشه چشم، با آن‌ها مغازه کرد». (همان: ۱۷۵)

۱. ۲. خشونت جسمانی

خشونت جسمانی علیه زنان، برخاسته از نظام مردسالارانه در جامعه است که به مردان، اجازه هرگونه اعمال قدرتی را می‌دهد. «مردسالاری، صورت ایدئولوژیک ستم‌دگی زنان است». (تانگ، ۱۳۹۴: ۲۸۹) واژه مردمحوری را، در ابتدا «شارلوت پرکینز گیلمن» (Charlotte Perkins Gilman)، برجسته‌ترین نظریه‌پرداز موج فمینیسم به کار برد تا توجه را به پیش‌داوری‌های مردانه جلب کند. (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۳۲۵) در پرتو این نظام سلسه مراتبی نهادینه شده در جامعه است که مردان می‌توانند، بر زنان سلطه یابند. از خشونت‌های به‌تصویر درآمده در رمان طوبی و معنای شب، می‌توان به «ترکه بر دست گرفتن حاج محمود برای تنبیه طوبی» (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۹) اشاره کرد. اگر چه حاج محمود، از تنبیه طوبی صرف نظر کرد، اما می‌توان گفت که «خشونت، فقط حمله فیزیکی نیست و انواع رفتارهایی را که مردان به قصد کنترل و ارباب‌زنان در پیش می‌گیرند، شامل می‌شود». (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۲۴۳) از خشونت‌های دیگری که علیه طوبی توسط مردان صورت گرفته است، می‌توان به «آزار و اذیت طوبی توسط مردان مست در گورستان» (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۰)، «افکندن آب دهان توسط پسر بچه‌ای بر دستان طوبی» (همان: ۴۰۰) و «با مشت بر سینه طوبی کوبیدن و افکندن او در جوی آب توسط مرد دوچرخه‌سوار» (همان: ۴۰۰) اشاره کرد.

کتک زدن دختران، برای اعتراف به حقیقت، یکی از خشونت‌های جسمانی به نمایش درآمده در این رمان است. «میرزا، اسماعیل را فرستاده بود، پی نخود سیاه و با کوبیدن چند کشیده به صورت دخترک، جویای حقیقت شده بود» (همان: ۱۸۸). مسئله «کشف حجاب» (همان: ۲۳۸) و چادر از سر زنان کشیدن و آزار فیزیکی آنان در زمان رضاشاه، از دیگر مصادیق خشونت جسمانی علیه زنان است.

از دواج‌های اجباری نیز، از دیگر مصادیق خشونت جسمانی و یکی از اهرم‌های فشار جامعه مردسالار بر دختران است. چیرگی فرهنگ مردسالاری در جامعه سبب گشته است که مردان در رأس امور قرار گیرند و بهترین و والاترین مرجع تصمیم‌گیری در خانواده به شمار آیند. از این رو، دختران، حق انتخاب همسر نداشتند و پدر یا یکی از مردان بزرگ خانواده است که به صلاح‌دید خویش، برای دختران همسر برمی‌گزیدند. در رمان طوبی و معنای شب، منوچهر میرزا، در غیاب برادرش، فریدون میرزا برای دختران طوبی که کودکانی بیش نبودند، همسر انتخاب می‌کرد. «شاهزاده می‌خواست، برای دخترهای برادرش شوهر پیدا کند. پسر ارفع‌الدوله که تازه از انگلستان بازگشته بود، شوهر خوبی برای منظرالسلطنه زیبا و شوخ بود... برای اقدس‌الملوک، پسر توران‌السلطنه را در نظر گرفت... ناگهان دختران طوبی که عروسک بازی می‌کردند و در حیاط، سر به‌دنبال هم می‌گذاشتند، شوهر پیدا کرده بودند». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۷۵-۱۷۳) فریدون میرزا، پس از بازگشت از آذربایجان، «آقای خوانساری» (همان: ۲۲۲) را برای دخترش، مونس برگزید. مونس، تمایلی برای ازدواج با او نداشت. «از آقای خوانسالاری، نه بدش می‌آمد و نه می‌ترسید، فقط دلش نمی‌خواست، زن او بشود». (همان: ۲۲۸) او، توان مخالفت با تصمیم پدرش را نداشت. «سنت نرینه‌سالاری، اغلب موقف شده است، صدای زنان را سرکوب کند». (سلدن و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۲۸۱) بنابراین او ناگزیر بود که به خواست پدر، علی‌رغم میل باطنی تن دردهد.

۳.۱. خشونت روانی

خشونت روانی، یکی دیگر از ابزارهای نظارتی مردان علیه زنان است که بازتاب دهنده روابط نابرابر قدرت در یک جامعه است. تحقیر و استهزای زنان، قهر و صحبت نکردن، منع کردن زنان از

رفت و آمد با دوستان و خانواده، بیان نکردن کلمه‌های محبت‌آمیز، اظهار اجبار از انتخاب آن زن، انتقاد مداوم از زن و... از مصادیق خشونت روانی به‌شمار رفته است.

در رمان طوبی و معنای شب، حاج محمود ۵۲ ساله، سلاح خشونت روانی را به عنوان برترین سلاح، برای درهم شکستن طوبی به کار برده بود. «مرد، خشونت را به عنوان سلاح کاری مبارزه با جوانی و زیبایی او، به خود تجویز کرده بود، هرگز کلام مهرآمیزی بر زبان نمی‌آورد و هرگز، محبت را روا نمی‌دانست». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۲) او از هر گونه، استهزا و تحقیری برای اعمال خشونت بر طوبی سود می‌جست و موهای زیبا و طلایی طوبی را به «سماور نارنجی» (همان: ۲۲) تشبیه می‌کرد. سپس، حاج محمود برای از پا درآوردن بیشتر طوبی، نباریدن باران را به منحوس بودن قدم او مرتبط می‌کرد و این‌گونه، او را درهم می‌شکست. «اما زن، اگر خوش‌قدم باشد، به همراه خود شادمانی و نعمت می‌آورد. با دختر، قحطی و بلا از راه رسیده بود. حاجی از سه کس نفرت داشت: از انگلیسی‌ها، از روس‌ها و از طوبی. گاه این‌ها را به دختر می‌گفت، به‌ویژه مسئله باران را. باران با زن درارتباط بود. همراه با زن خوش‌قدم، همیشه باران می‌آمد و باران نمی‌آمد». (همان: ۲۳) از دیگر خشونت‌های روانی حاج محمود علیه طوبی، می‌توان به «ندادن هیچ‌گونه مسئولیتی در خانه» (همان: ۲۳)، «مورد استهزا قرار دادن آشپزی طوبی» (همان: ۲۳)، «در طول عده، ماهی یک‌بار به حمام رفتن» (همان: ۴۴)، «منع رفت و آمد با خانواده» (همان: ۴۴) و «سه طلاقه کردن طوبی» (همان: ۴۳) اشاره کرد. خشونت‌های روانی پی‌درپی حاج محمود علیه طوبی سبب گردید که او با «اعتصاب غذایی»، به خودکشی و نابودسازی خویش بیندیشد. «دوباره کز کرده بود گوشه‌اتاق، و به عادت قدیمی‌اش دو زانو نشسته بود تا دوباره زهرا غذا بیاورد و مقابلش بگذارد و او نه بخورد و نه به آن نگاه کند». (همان: ۴۴) محروم کردن یک‌ساله طوبی از دیدار فرزندانش توسط همسر دومش، فریدون میرزا نیز، از خشونت‌های روانی به‌کار رفته در این رمان است. «بچه‌ها را یک‌سالگی نگاه داشت تا زن را بچزاند». (همان: ۲۱۸)

از خشونت‌های روانی به نمایش درآمده علیه زنان در این رمان، می‌توان به «بستن آفتابه به دم چادر و گذاشتن کلاه بر روی چادر خاله ترکه» (همان: ۲۳۴ و ۲۱۸) اشاره کرد. «یک‌بار، یکی از کاسب‌های محل، آفتابه‌ای به دم چادر مادرش بسته بود. وقتی زن راه می‌رفت، آفتابه با سر و صدا

دنبالش کشیده می‌شد. به خانه آمد. متحیر بود، چرا مردم این همه به او نگاه می‌کنند. اسماعیل، آفتابه را از چادر مادرش باز کرد، از آن پس اجازه نمی‌داد، او به خرید برود» (همان: ۲۱۸). بی‌توجهی شاهان قاجار به «زنان حرم‌سرا» (همان: ۶۵) نیز، از دیگر مصادیق خشونت‌های روانی به نمایش درآمده در این رمان است.

ایدئولوژی فرادستی مردان، سبب گردیده است که گاه آنان برای طرد زن از خانه، از حربه‌ها و دسیسه‌هایی چون «خروج زن از جاده عفاف و راستی» استفاده کنند که آن را می‌توان، از دیگر مصادیق خشونت روانی به‌شمار آورد. در این رمان، می‌توان به «بدگمان شدن منوچهر میرزا نسبت به طوبی و متهم ساختن او به ارتباط نامشروع با دیگر مردان» (همان: ۱۷۱) اشاره کرد.

۱. ۴. خشونت اقتصادی

محروم کردن زن از منابع اقتصادی و مالی، شایع‌ترین شکل خشونت اقتصادی است. «امروزه مرد، روزی‌رسان و نان‌آور خانواده است و این امر، به او یک موضع مسلط می‌دهد که احتیاجی به هیچ امتیاز قانونی خاصی ندارد. مرد در خانواده، بورژوا و زن، پرولتاریاست. در جهان صنعتی، ویژگی ستم اقتصادی که بر پرولتاریا وارد می‌شود، فقط هنگامی کاملاً آشکار می‌گردد که امتیازهای قانونی خاص طبقه سرمایه‌دار از میان رفته و تساوی حقوقی کامل در هر دو طبقه ایجاد شده باشد». (انگلس، ۱۳۸۰: ۱۰۵)

در این رمان، فریدون میرزا، با رها کردن طوبی و فرزندانش، درابتدا به روسیه گریخت و پس از بازگشت، به آذربایجان رفت و در آن‌جا، با دختری ۱۴ساله ازدواج کرد. بی‌توجهی‌های بی‌درپی فریدون میرزا، به طوبی و فرزندانش و عدم تأمین مخارج اقتصادی، طوبی را سخت خشمگین کرده بود. «بی‌مسئولیتی و بی‌توجهی او به پول و مقدرات خانه، طوبی را خشمگین می‌کرد». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۶۶) او، با تعریض‌های مختلف، خشم خود را نسبت به فریدون میرزا آشکار می‌ساخت: «این آقای شاهزاده که حالا با دخترهای ۱۴ساله ازدواج می‌کرد، چرا عقلش نمی‌رسید، خرج و مخارج بچه‌هایش را تأمین کند. مگر طوبی، کنیز یا برده بود که دایم پشت دار قالی بنشیند

و برای شاهزاده‌ای که تنبانش دوتا شده بود، سر پیری، زن ۱۴ ساله می‌گرفت، جان بکند». (همان: ۱۷۳-۱۷۲)

۱. ۵. خشونت جنسی

تجاوز جنسی به زنان، یکی دیگر از خشونت‌های مردان علیه زنان است که در جوامع مردسالار نمودی برجسته دارد. «ایدئولوژی مردسالار، زنان را یا مادرانی مورد احترام و یا اشیایی جنسی برای کام‌جویی مردانه می‌داند. خواست مردان، تصاحب جنسی زنان است و در کنترل روابط جنسی زنان، مقاصد خودشان را دنبال می‌کنند. ایدئولوژی مردسالار، در همان حال که به ظاهر، تجاوز را محکوم می‌کند، در نهان با عادی شمردنش به آن مشروعیت می‌بخشد». (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۲۳۶)

در رمان طوبی و معنای شب نیز، تجاوز جنسی، یکی دیگر از ابزارهای سلطه‌جویی و اعمال قدرت بر زنان است و مردان پس از ارتکاب این جرم، ارزش وجودی برای زن قایل نبوده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به «شاهزاده گیل» اشاره کرد که پس از تجاوز، زنان را همچون تفاله‌ای دور می‌انداخت. «من به تو بگویم، گاهی اگر دخترکان روستایی را تنها بر سر چشمه‌ای گیر می‌آوردم، با آن‌ها می‌آمیختم و از پس کامیابی، همانند تفاله‌ای به دورشان می‌انداختم». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۴۴)

از دخترانی که در این رمان مورد آزار جنسی قرار گرفته بود، می‌توان به «ستاره ۱۴ ساله»، اشاره کرد که در پی هتک حرمت دسته‌جمعی توسط قشون روس باردار گردیده بود. «دختر در تشنج گریه برای او گفته بود که در روز حمله به خانه‌شان، در زیرزمین، مورد هتک حرمت چند نفر از افراد قشون قرار گرفته است». (همان: ۱۸۸) سپس، دایی ستاره، پس از آگاهی از این مسأله در صدد برآمده بود تا دختر را به قتل برساند. «میرزا نیم شب، تصمیمش را گرفته بود، به ستاره گفته بود، از جای برخیزد. دختر بچه، مطیع و ساکت از جای برخاسته بود... کاردی را که از

آشپزخانه برداشته بود، زیر کتتش گرفته بود... دختر، دنبال او آمده بود تا کف پاشیر. آنجا وقتی دایی گفته بود، روی زمین بخوابد، اطاعت کرده بود. میرزا، مدتی فکر کرده بود، سرش را ببرد یا چاقو را در قلبش فرو کند. تحمل دست و پا زدن در اثر بریدن سر را نداشت. فکر کرده بود، اگر به قلبش بزند، کار ساده‌تر تمام می‌شود. چاقو را با یک ضربه به قلب دخترک فرو کرده بود. گفت که جابه‌جا مرده بود. رنج زیادی نکشیده بود. بعد با ضربه دیگری، شکم دختر را دریده بود، با این اندیشه که بچه‌اش را راحت کند تا او هم رنج زیادی نکشد.» (همان: ۱۸۹-۱۸۸)

۲. بررسی مؤلفه‌های نظام نهادینه مردسالاری

«مردسالاری، یک نظام خانوادگی اجتماعی، ایدئولوژیکی و سیاسی است که در آن مردان، با زور و فشار یا با به‌کارگیری آیین و مراسم، قانون و زبان، آداب و سنن، آموزش و ساختارهایی که در جامعه وجود دارد، تعیین می‌کنند که زنان چه نقشی را می‌توانند یا نمی‌توانند، ایفا کنند.» (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۲۷۷) در این رمان، زنان به اشکال مختلف تحت تأثیر نظام مردسالاری بوده‌اند که در زیر به بررسی هر یک از آنها پرداخته‌ایم.

۲.۱. پذیرش نگرش مردسالارانه از سوی زنان

در جوامع مردسالار، زنان همواره تابع مردان به تصویر درآمده‌اند. در این جوامع «ارزش‌هایی استوار است که مردان در روابط پیچیده آن را بنیاد نهاده‌اند.» (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۲۹۳) ایدئولوژی نرینه محور به زندگی زنان جهت بخشیده و این‌گونه است که زنان در ناخودآگاه، خود را فرودست و مردان را فرادست به‌شمار آورده‌اند. در ساختار قدرتی که مردان در جامعه خلق کرده‌اند، تمام کوشش زنان، در جهت هم‌سوئی با اندیشه مردان و به‌دست آوردن رضایت و میل آنان بوده است.

در این رمان، طوبی، کشته شدن ستاره باردار توسط دایی‌اش، پس از تجاوز دسته جمعی قشون روس را «یک قانون اجتماعی می‌دانست.» (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۶۵) او معتقد بود که «نطفه حرام می‌بایستی در همان نطفگی خفه شود. دختر، البته ۱۴ ساله و بی‌گناه بود، اما این چیزی را

تغییر نمی‌داد. دایی واقعاً مجبور بود، او را بکشد». (همان: ۲۶۵) تأثیر نگرش‌های مردسالاری سبب گردیده بود تا طوبی، کشته شدن ستاره را این‌گونه نزد خود توجیه سازد و هم‌راستا با تفکرات نظام مردسالار پیش رود. بنابراین، طوبی هیچ‌گاه نمی‌توانست، این نظام را براندازد و یا مقاومتی در برابر آن داشته باشد. سیمون دوبوار (Simone de Beauvoir) معتقد است که «هیچ کس زن متولد نمی‌شود، بلکه تبدیل به زن می‌شود». (سلدون و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۲۶۱)

طوبی، هنگامی که در مقابل حاج محمود قرار می‌گرفت، وجود خود را «نحس» می‌دانست و حاج محمود را، علی‌رغم ستم‌هایی که به او کرده بود، «مرد بزرگوار» خطاب می‌کرد. «زن، گاهی به فکر خودکشی می‌افتاد تا وجود نحسش، بیش از این، به این مرد بزرگوار لطمه‌ای وارد نکند». (همان: ۲۵) دوبوار معتقد است که «در چنین جوامعی، انسان بودن و در نتیجه، زن بودن را مردان تعریف می‌کنند». (برسلر، ۱۳۹۳: ۲۰۱)

نهاده‌ها شدن ارزش‌های مردانه، سبب به‌وجود آمدن این باور در طوبی گشته بود که «کار کردن زن در اداره»، مختص مردان است، نه زنان. از این رو، مخالف سرسخت کار کردن مونس در بانک بود و کار کردن دخترش در محیط بیرون از خانه را تا «سطح فاحشه‌ای تنزل می‌داد». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۴۲) خواهر و برادر مونس نیز، کار کردن او را موجب «سرافکنندگی خویش» (همان: ۲۵۴) می‌دانستند. «خواهر و برادر، مرتب دعوتش می‌کردند تا شوهر جدیدی برایش بیابند. از کارکردنش سرافکننده بودند و با شرمندگی برای داوطلبان ازدواج توضیح می‌دادند که خواهرشان، البته سنت شکن است». (همان: ۲۵۴) طوبی، به‌گونه‌ای تحت تأثیر هژمونی مردسالاری قرار گرفته بود که طلاق گرفتن مونس را شوم می‌دانست. «از ابتدا می‌دانست، بازگشت دختر به خانه شوم است. شوهر کرده بود و باید با تقدیرش می‌ساخت». (همان: ۲۶۴)

ایدئولوژی مردانه در این رمان، با نگرش‌هایی چون «خندیدن زنان در حضور مردان پسندیده نیست» (همان: ۷۲)، «احساس ننگ حبیب‌الله از همراهی خواهرش تا مدرسه» (همان: ۲۱۸)، «عدم تحمل زنان سخنور و نداشتن اندیشه در وجود زنان، از سوی اسماعیل» (همان: ۳۰۵-۳۰۴) و «دیر

آمدن عبدالله خان به مراسم خواستگاری، برای عدم کرنش مقابل زنان» (همان: ۷۰) به تصویر درآمده است.

۲.۲. اختلاف سنی مرد و زن در ازدواج

نابرابری قدرت میان زن و مرد در جوامع مردسالار سبب گردیده است که مردان، به دلیل در اختیار داشتن موقعیت شغلی و اقتصادی و وابستگی زنان به مردان، نیروی برتر به شمار روند و زنان به ازدواج‌هایی با فاصله سنی بسیار زیاد تن در دهند. در این رمان، پارسی‌پور، عدم توازن قدرت در میان زنان و مردان را، با اختلاف سنی بسیار زیاد دختران در ازدواج با مردان به تصویر کشیده است که از میان این‌گونه ازدواج‌ها، می‌توان به ازدواج «طوبی ۱۴ ساله و حاج محمود ۵۲ ساله» (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۲۲)، «طوبی ۱۸ ساله و شاهزاده ۶۶ ساله» (همان: ۷۲)، «دختر خاله طوبی ۱۷ ساله و پیرمرد ۶۰ ساله» (همان: ۱۱۳)، «هووی طوبی ۱۴ ساله و شاهزاده ۵۰ و اندی ساله» (همان: ۱۶۶) و «مونس ۱۵ یا ۱۶ ساله با خوانساری ۵۰ و اندی ساله» (همان: ۲۲۲ و ۲۱۴) اشاره کرد.

۲.۳. به حاشیه راندن زنان

دیگری شدن و به حاشیه راندن زنان، یکی دیگر از ویژگی‌های جوامع مردسالار است. در این جوامع، «مرد، موجودی مثبت و زن، موجودی منفی و دیگری به شمار می‌آید. علت دیگری بودن او، تن او، به‌ویژه توان بچه‌دار شدن اوست که کارش را به درون خانه منحصر می‌سازد.» (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۲۶۲) «زن، به سبب آنکه مرد نیست، تبدیل به «دیگری» می‌شود، یعنی ابژه‌ای که وجودش را مرد، یعنی وجود غالب در جامعه تعریف و تفسیر می‌کند.» (برسler، ۱۳۹۳: ۲۰۱)

در این رمان، طوبی برای شاهزاده، «دیگری»، به‌شمار رفته است. او که پس از گریختن شاهزاده به روسیه، مسئولیت تمام امور خانه از جمله نگهداری از فرزندان و قالی بافی، جهت امرار معاش را برعهده گرفته بود، با بازگشت شاهزاده، تغییری اساسی در او مشاهده کرد؛ دیگر شاهزاده

برای او احترامی قایل نبود و او را به حاشیه می‌راند. بی‌پولی، پناه آوردن به خانه طوبی و از دست رفتن شکوه طلائی دوران قاجار، سبب ایجاد شکاف بزرگی میان او و طوبی گشته بود. به گونه‌ای که شاهزاده، او را به مثابه «دیوارهای زندان» و «خلا» می‌دانست. «سایه زن در پشت پرده، به نظرش حصار غیر قابل نفوذی می‌آمد که اکنون به دیوارهای زندان او تبدیل می‌شد. حالا هر چه طوبی می‌گفت، مثل خار در قلب شاهزاده فرو می‌رفت. بی‌اختیار گفت: درویش! واقعاً زن جماعت خلاست». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۲۷)

نویسندهٔ رمان، سردی روابط زناشویی میان شخصیت‌های رمان را با استفاده از «رنگ خاکستری» توصیف کرده است. «طوبی، روزه گرفته بود و خانه در مه خاکستری رنگ اندوه فرو رفته بود». (همان: ۱۸۶) «این چیزی بود، بین او و اسماعیل. هیچ موجود دیگری نمی‌توانست، چیزی از آن بداند. حتی اکنون که لایه‌های خاکستری یخ زده آن را پوشانیده بود». (همان: ۲۷۱)

رنگ خاکستری، بیانگر انزوای زنان و فاصله گرفتن آنان از همسرشان است، به گونه‌ای که طوبی را به سوی طلاق گرفتن از شاهزاده، و مونس را به سوی طلاق عاطفی از اسماعیل سوق می‌داد. «دیگر به مرد خودش تن در نمی‌داد. آن کس که شب در بستر اسماعیل می‌خوابید، یک بدن حاکی بی‌قابلیت بود که هر روز از روز پیش بیشتر باور می‌کرد، قال دنیا را به خاطر حال آخرت باید رها کرد. زن، رفتار جنسی را تحقیر می‌کرد. آن کس که در نخستین عاشقانه‌هایش، آن همه شور و شر داشت و گلوله آتشی را می‌مانست، حالا کوه یخی بود که مرد را تحمل می‌کرد». (همان: ۳۰۶-۳۰۵)

۲. ۴. کالاشدگی زنان

کالاشدگی زنان، برخاسته از تثبیت نظام مردسالاری در جامعه است که به دنبال سلطه‌جویی و بهره‌کشی از اندام زن است. زنان در این جوامع، فرودست و تحت انقیاد مردان به‌شمار رفته‌اند و پایهٔ «سلطهٔ مردانه را می‌توان در کنترل مردان بر بدن زنان و فعالیت‌های جنسی آن‌ها دانست».

(آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۳۱۹) از این رو، زنان، همچون کالایی پنداشته شده‌اند که در خدمت مردان هستند و توجه آنان نیز بر جنبه‌های فیزیکی و جذابیت‌های ظاهری زن استوار است. زنان این رمان نیز، از جسم خویش استفاده ابزاری می‌کردند و مهم‌ترین ویژگی زن را، در «فتان و عشوه‌گر بودن» (همان: ۱۷۵) می‌دانستند. تصویرهایی که از بدن زن در یک متن ارایه می‌شود، بیانگر آن است که «در آثار تألیف شده توسط زنان، چگونه اعضایی از بدن، از جمله رحم و پستان‌ها، اغلب به تصاویری واجد اهمیت بدل می‌شوند». (برسلر، ۱۳۹۳: ۲۰۹) پارسی‌پور، به شکل‌های مختلف به استفاده ابزاری زنان از جسم خویش در سراسر رمان اشاره کرده است. «بعد دو نفری سوار کالسکه شدند تا در لاله‌زار چند دور بزنند و توران‌السلطنه، پیشنهاد کرد، یک کم پیشان را جلو بیاورند تا برش آن نمودار شود». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۷۵) «طوری نشست تا در موج‌خوران چادر، چاک سینه‌اش در معرض تماشای مردان قرار گیرد. زن می‌دانست، همه چیز به گوشت و چربی بستگی دارد و هرچه چاق‌تر و پروارتر، دلخواه‌تر... باید این امتیاز از نظرها دور نمی‌ماند و می‌دانست، منصور میرزا، برخلاف رفیقش به زنان چاق تمایل دارد». (همان: ۸۲-۸۱)

از دیگر مؤلفه‌های کالاشدگی و دیگری شدن زنان، می‌توان به «رقاصی و خوانندگی زنان» (همان: ۲۹۷) اشاره کرد. مردان، در این رمان، درصدد بهره‌برداری مضاعف از زنان در جهت ارضای غرایز جنسی خود هستند و زنان را مهم‌ترین وسیله، جهت «لذت بردن» (همان: ۸۳) می‌دانند. «شاهزاده به جلال مولا قسم خورد که هرگز از رسم قلندری دست نخواهد کشید. زن‌ها، مایه لذت بردن بودند، اما تا آن‌جا باید پیش رفت که به رسم قلندری لطمه‌ای وارد نشود». (همان: ۸۳)

روسپی‌گری، یکی از انحرافات به نمایش درآمده در این رمان است که در آن زن، جسم خود را همچون کالایی در ازای دریافت پول یا خدمات دیگر می‌فروشد. این مبادله جنسی که با رضایت زن روسپی‌گر انجام می‌شود، «توأم با بهره‌کشی جنسی و تحقیر زن است». (مهاجر، ۱۳۸۰: ۳۲) «تحلیل دوبار از زنان روسپی، تحلیلی پیچیده‌ای بود؛ از یک‌سو، روسپی نمونه کامل دیگر بودن و شی‌شدگی و استثمارشدگی زنی است و از سوی دیگر، روسپی خود مانند مردی که

خدمات او را خریداری می‌کند، استثمارگر است. به زعم دوبوار، زن روسپی، خود را فقط در برابر پول عرضه نمی‌کند، بلکه در برابر احترام و ارزشی عرضه می‌کند که مرد برای «دیگر بودن» او قایل می‌شود». (تانگ، ۱۳۹۴: ۳۳۲)

در این رمان، شخصیتی به نام «لیلا» وجود دارد که همواره در پی برقراری ارتباط نامشروع با دیگر مردان است. «شاهزاده گفت: حالا می‌آید. هر روز در یک ماشین و هر روز با چند مرد جدید، یک لکاته حسابی». (پارسی‌پور، ۱۳۹۸: ۳۸۴) «لیلا پشت فرمان بود، مردی در کنار او و مرد دیگری در صندلی عقب نشسته بودند. هر دو تا آنجا که امکان داشت، سرشان را به صورت زن نزدیک کرده بودند. یکی از آنها چیزی می‌گفت و زن، بی‌محابا می‌خندید». (همان: ۳۸۷)

نویسنده در سراسر رمان، به پدیده روسپی‌گری و به فساد در جامعه اشاره کرده است: «بسیاری از دخترکان لب‌چشمه، خود به میل خود، تن به هم‌خوابگی می‌دادند». (همان: ۱۴۵)

از شخصیت‌های مرد رمان نیز می‌توان به «منصور میرزا»، همسر توران‌السلطنه اشاره کرد که مردی هوس‌باز و به دنبال زنان روسپی بوده است. از این رو، توران‌السلطنه به او لقب «مرد دبنگ خانم‌باز» (همان: ۱۷۴) داده است. «زن، چقدر از دست شوهرش کشیده بود. چقدر این مرد دبنگ خانم بازی کرده بود. چقدر، گوشت تن او را لرزانده بود». (همان: ۱۷۴)

نتیجه‌گیری

خشونت علیه زنان، برخاسته از نظام نهادینه شده مردسالاری است که در آن مردان به سرکوب و تحقیر زنان به شکل‌های مختلف پرداخته‌اند. نویسندگان معاصر نیز، توجه ویژه‌ای نسبت به مقوله زن و مسایل پیرامون آن داشته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به شهرنوش پارسی‌پور اشاره کرد که در آثار خویش درصدد بوده است تا به تبیین سطوح قدرت مردانه در لایه‌های تو در توی زندگی زنان بپردازد. از میان آثار پارسی‌پور، رمان طوبی و معنای شب، واجد برخی از مؤلفه‌های مردسالاری و انواع خشونت مردان بر زنان بوده است. در این رمان، زنان، شخصیت‌های ایستایی دارند، اغلب گرفتار روزمرگی هستند و از خود، هویت مستقلی ندارند. نویسنده، با استفاده از ایدئولوژی‌های جنسیتی، جایگاه زنان را در تقابل با مردان به تصویر درآورده است، جایگاهی که زنان را فرودست و مردان را فرادست به‌شمار آورده است؛ جایگاهی که زنان، علی‌رغم میل باطنی خود بدان تن در داده و آن را، به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته‌اند. در این رمان، مردان اغلب فاعل هستند و مهم‌ترین مرجع تصمیم‌گیری به‌شمار رفته‌اند و زنان، نقشی در تصمیم‌گیری‌های کلان خانواده ندارند.

در این رمان، اشکال مختلف خشونت مردان علیه زنان به تصویر درآمده است که خشونت روانی و سپس جسمانی، بیشترین فراوانی را داشته است. درحقیقت، به‌کارگیری انواع خشونت سبب گشته است تا زنان، قدرت طغیان علیه مردان را نداشته باشند و همواره در حالت انزوا به سر برند. نویسنده رمان، بر عدم توازن قدرت و نابرابری جنسیتی که منجر به سرکوب، تحقیر و سلطه بر زنان است، اشاره کرده است و کالاشدگی و دیگری شدن زنان را، دست‌مایه نغزی برای بیان انحرافات چون روسپی‌گری در جامعه دانسته است که تحکیم هر خانواده‌ای را با خطر مواجه ساخته است. پارسی‌پور، با استفاده از رنگ خاکستری، به سردی روابط زناشویی شخصیت‌های رمان اشاره کرده و زیرکانه، اضمحلال و فروپاشی بنیان خانواده را به بوتۀ نقد کشانده است. از نقش‌های تحمیلی مردان بر زنان، می‌توان به امور خانه‌داری و مراقبت از فرزندان اشاره کرد که سبب روزمرگی زنان گشته است. هژمونی مردسالاری بر اندیشه، زبان و فرهنگ زنان جهت بخشیده و همواره آنان را تابع مردان به تصویر درآمده است.

فهرست منابع مأخذ

الف: کتب

- ۱- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر، (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- ۲- انگلس، فریدریش، (۱۳۸۰)، *منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت*، ترجمه خسرو پارسا، تهران: جامی.
- ۳- برسler، چارلز، (۱۳۹۳)، *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*، ترجمه مصطفی عابدینی فرد، تهران: نیلوفر.
- ۴- پارسی‌پور، شهرنوش، (۱۳۹۸)، *طوبی و معنای شب*، تهران: البرز.
- ۵- پاک‌نهاد جبروتی، مریم، (۱۳۸۱)، *فرداستی و فرودستی در رمان*، تهران: گام نو.
- ۶- تانگ، رزمی، (۱۳۹۴)، *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- ۷- تسلیمی، علی، (۱۳۹۰)، *نقد ادبی، نظریه‌های ادبی و کاربرد آن‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: آمه.
- ۸- سلدون، رامان؛ ویدوسون، پیتر، (۱۳۹۲)، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- ۹- شکیبا، نوشین، (۱۳۸۱)، «تأثیرات بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان و مردان تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- ۱۰- فروید، زیگموند، (۱۳۸۹)، *توتم و تابو*، ترجمه حمیدرضا غیوری، تهران: راستین.
- ۱۱- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۲)، *از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیرازه.

ب- مجلات

- ۱۲- اسداللهی، مایده و همکاران، (۱۳۹۶)، «بررسی مقایسه‌ای جلوه‌های خشونت علیه زنان در داستان‌های غبار و کولی کنار آتش»، *ادبیات تطبیقی*، سال ۹، شماره ۱۶، صفحه ۱۹-۱.
- ۱۳- رحمانی، کیومرث و سوبه‌اش، کمار، (۱۳۹۶)، «خشونت علیه زنان در رمان جای خالی سلوچ و رمان گودان»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۱، صص: ۱۸۱-۱۵۷.

- ۱۴- رهیاب بلخی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۸)، «خشونت علیه زنان در رمان‌های خالد حسینی»، پژوهش‌نامه ادبیات معاصر ایران، شماره ۱، صص: ۱۶۷-۱۴۷.
- ۱۵- عاشقی قلعه، لیلا و همکاران، (۱۳۹۸)، «خشونت علیه زنان در آثار داستانی نویسنده زن معاصر، فریبا و فی»، زن و فرهنگ، شماره ۴۲، صص: ۱۹-۷.
- ۱۶- مقصودی، سوده و همکاران، (۱۳۹۶)، «بررسی انواع خشونت‌های اعمال شده علیه زنان در رمان پری چهر»، زن و مطالعات خانواده، شماره ۲۹، صص: ۴۰-۲۳.
- ۱۷- مهاجر، فیروزه، (۱۳۸۰)، «فمینیست‌ها و مسئله روسپی‌گری»، زنان، شماره ۱۱، صص: ۳۳-۲۱.
- ۱۸- نجفی عرب، ملاح و بهمنی مطلق، یدالله، (۱۳۹۳)، «کاربرد واژگان در رمان شازده احتجاب، از منظر زبان و جنسیت»، فصل‌نامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۰، صص: ۱۴۲-۱۲۱.
- ۱۹- نهایندی، مریم، (۱۳۸۶)، «پژوهش کیفی در باب خشونت خانگی علیه زنان»، از مجموعه مقاله‌های همایش زن و پژوهش، تهران: دانشگاه تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان.